حدیث ثقلین و کاربرد آن در فهم قرآن؛ تحلیل دیدگاه چهار شخصیت قرآن پژوه حوزه نجف در قرن چهاردهم و پانزدهم هجری؛ اردوبادی، بلاغی، خویی و معرفت ـ
عبدالحسین طالعی، مهرداد عباسی، سیدمحمدعلی ایازی
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هفدهم، شماره ٦٨ «ویژه قرآن و حدیث»، پاییز ١٣٩٩، ص ١٢٤-١٤٢

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

حدیث ثقلین و کاربرد آن در فهم قرآن؛ تحلیل دیدگاه چهار شخصیت قرآن پژوه حوزه نجف در قرن چهاردهم و پانزدهم هجری؛ اردوبادی، بلاغی، خویی و معرفت

عبدالحسین طالعی*
مهرداد عباسی**
سید محمدعلی ایازی***

چکیده: در این مقاله، دیدگاه های چهار شخصیت قرآن پژوه حوزه نجف در قرن چهاردهم و پانزدهم هجری؛ ابوالقاسم اردوبادی، محمدجواد بلاغی، سید ابوالقاسم خویی و محمد هادی معرفت در زمینهٔ حدیث ثقلین و کاربرد آن در فهم قرآن، نقل، نقد، بررسی و مقایسه شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، هر چهار شخصیت یادشده نقش حدیث ثقلین در فهم قرآن را

*. دانشجوی دکتری رشتهٔ علوم قرآن و حدیث، دانشکدهٔ حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Taleie20@gmail.com
**. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکدهٔ حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)
***. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکدهٔ حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ayazi1333@gmail.com

کلیدی و اساسی می‌دانند و در این نکته اشتراک دارند، گرچه هر یک از آنها برخی از جوانب مطلب را باز می‌گویند.
کلیدواژه‌ها: حدیث ثقلین؛ فهم قرآن؛ حوزهٔ علمیه نجف– قرن ١٤ و ١٥ ق.؛ اردوبادی، ابوالقاسم؛ بلاغی، محمدجواد؛ خویی، سید ابوالقاسم؛ معرفت، محمد هادی.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

مقدمه و بیان مسئله

قرآن کتابی است جاودانه، که خود را هدایت کننده به استوارترین آیین می‌داند (اسراء، ٩). خدای حکیم، این کتاب مبین را به اوصافی همچون نور (مائده، ١٥)، هدی (آل عمران، ١٣٨)، شفا (فصلت، ٤٤)، برهان (نساء، ١٧٤)، بیان (آل عمران، ١٣٨)، تبیان (نحل، ٨٩) و مانند آنها وصف کرده تا اساسی‌ترین نقش و جایگاه این نامهٔ هدایت را نشان دهد. روشن است که این مهم بدون فهم قرآن عملی نمی‌شود. بدین روی باید عوامل زمینه‌ساز فهم و هدایت قرآن را بشناسیم. نیز برای اینکه این کتاب الهی در این جایگاه بنشیند، باید برخی امور رعایت شود. مثلاً خداوند متعال، برخی از امور را مانع از نورافشانی قرآن معرفی می‌کند، مانند آیهٔ زیر:

«وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنينَ وَ لا يَزيدُ الظَّالِمينَ إِلاَّ خَسارا» (اسراء، ٨٢)

بدین روی، شناخت دو گروه عوامل ضرورت دارد: عواملی که فهم و هدایت قرآن را تسهیل می‌کند و عواملی که موانع فهم و هدایت را مانع می‌شود. یکی از محورهای این دو گروه عوامل، توجه یا عدم توجه به حدیث ثقلین است.

این مقاله بر آن است که تأثیر توجّه به حدیث ثقلین در فهم قرآن را از دیدگاه چهار شخصیت قرآن پژوه نجف در قرن چهاردهم و پانزدهم قمری بررسی کند. انتخاب این چهار دانشور شاخص و اثرگذار بر این اساس بوده که رابطهٔ آنها با هم، به ترتیب رابطهٔ استاد و شاگردی بوده است. بدین روی مطالعه، تحلیل و تطبیق

نظرات آنها با هم، می‌تواند سیر تحوّل این مطلب را در فاصلهٔ زمانی بیش از یک قرن قرآن‌پژوهی حوزهٔ علیمه نجف نشان دهد. لذا دیدگاه‌های میرزا ابوالقاسم اردوبادی، شیخ محمدجواد بلاغی، سید ابوالقاسم خویی و محمدهادی معرفت در این زمینه، در این مقاله بررسی می‌شود.

۱. تعریف اصطلاحات

برای ورود در اصل بحث باید چند کلمهٔ کلیدی این مقاله را تعریف کرد:

۱-۱. حدیث ثقلین

مراد از آن حدیثی است که محدثان شیعه و سنّی با الفاظ متنوع و طرق متعدد از رسول خدا٦ روایت کرده‌اند، به این مضمون که پیامبر، قرآن و عترت را به عنوان دو یادگار خود به امّت شناسانده و آنها را همراه و توأمان می‌داند که تا روز جزا از هم جدایی ندارند. علاوه بر نقل این حدیث در بسیاری از منابع حدیثی، برخی از دانشمندان تک نگاری‌هایی در بارهٔ این حدیث نوشته‌اند که عدد آنها را تا ۲۳ عنوان کتاب و نُه مقاله و پایان نامه برشمرده‌اند. (ر.ک. سلیم گندمی، منبع‌شناسی حدیث ثقلین تا سال ۱۳۸۵ شمسی، ۱۳۹۲ ش)

۱-۲. ابوالقاسم اردوبادی

اردوبادی (۱۲۷٤–۱۳۳۳ ق.) در سال ۱۲۹۱ ق. برای تحصیل علم به تبریز و در سال ۱۲۹۸ ق. به نجف رفت. از برخی از اساتید او می‌توان به میرزا محمد حسن شیرازی اشاره کرد که روحیهٔ دفاع از دین در برابر خصم در ایشان مثال‌زدنی بود. اردوبادی علاوه بر فقه و اصول، در زمینهٔ کلام و تبیین عقاید و دفاع از قرآن و نبوت خاتم الانبیاء تلاش‌هایی کرد، به گونه‌ای که آثار مکتوبش نشان می‌دهد و برخی از مناظرات خود در دیار آذربایجان با افرادی بابی و مسیحی را گزارش می‌کند. همچنین تسلط او بر زبان عبری و متون اصلی عهدین ـ چنانکه از کتاب

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

الشهاب المبین بر می‌آید ـ در همین راستا قابل ذکر است.

۳-۱. بلاغی

شیخ محمد جواد بلاغی (۱۳۵۲-۱۲۸۲ق) از علمای بزرگ نجف بود که در زمینه‌های علمی مختلف، چهره بارزی در جهان تشیع شد. آثار او که به ده‌ها کتاب و رساله می‌رسد، بیانگر جایگاه علمی اوست. در این میان تفسیر ناتمام آلاء الرحمان، علاوه بر نمایاندنِ چهرهٔ بارز تفسیری او، رهیافت او را در دفاع از قرآن و نبوت نشان می‌دهد.

٤-۱. خویی

سیّد ابوالقاسم خویی (۱٤۱۳-۱۳۱۷ق) از زعمای حوزه و بزرگان نجف بود که علی‌رغم شهرت فراوان به فقاهت، در حوزهٔ علوم قرآنی نیز اندیشه‌های در خور توجهی داشت. کتاب "البیان فی تفسیر القرآن" که عمدهٔ مطالب آن در علوم قرآنی است، دیدگاه او را در باب علوم قرآنی به نمایش می‌گذارد و رهیافت او را در دفاع از قرآن و نبوت نشان می‌دهد.

۵-۱. معرفت

آیت الله محمّدهادی معرفت (۱۳۸۵-۱۳۰۹ش) چهرهٔ مشهور قرآن‌پژوهی در حوزه‌های علمیهٔ کربلا و نجف و قم بود که علاوه بر چند دهه تدریس و تحقیق در علوم قرآنی با نگارش کتاب جامع "التمهید" و آثار دیگر در باب علوم قرآنی، کارنامهٔ درخشانی از خود به جای گذاشت.

۱-٦. کتاب "الشهاب المبین"

اردوبادی علی رغم آن‌که در نجف اقامت داشت، ارتباط خود را با تبریز و قفقاز

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

اردوباد پیوسته ادامه می‌داد، به گونه‌ای که کتاب الشهاب المبین را به زبان فارسی در سال ۱۳۱۹ق.، در جواب یکی از رساله‌های ضد قرآن نوشت که در آن منطقه منتشر شده بود. نام این رسالهٔ ضد قرآن یا نویسندهٔ آن از سوی اردوبادی معیّن نشده و در جستجوها نیز به دست نیامده است. در آن رساله بیان شده بود که محتوای قرآن منحصر در قصه است و مجموعهٔ قصه‌ها چندان ارزشی ندارد و نمی‌تواند کتابی آسمانی باشد. اردوبادی با تألیف کتاب "الشهاب المبین" اقدام به دفاع از قرآن با محوریت پاسخگویی به مستشکل کرد. یکی از نکات مهم این کتاب، آن است که با آنکه در پاسخ به شبهات یکی از مخالفان قرآن نوشته شده، منحصر به رویکرد نقضی نیست، بلکه توضیحات و نکته‌های تبیینی متعددی در آن بیان شده که در پژوهش‌های مربوط به علوم قرآنی به کار می‌آید. این کتاب تا کنون چاپ نشده و استناد ما در این مقاله به نسخه‌ای خطی از این کتاب است که در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

۲. پیشینه و نوآوری

در حوزهٔ مرتبط با مسئلهٔ این مقاله، کارهایی تا کنون انجام شده است که فهرست اهمّ آنها به شرح زیر ارائه می‌شود.

۲-۱. در مورد اردوبادی

در بارهٔ اردوبادی، بجز اشارات پراکنده در منابع متفرق تراجم نگاری و کتابشناسی، به ویژه متفرقات ارزشمند فرزندش محمدعلی اردوبادی (موسوعه العلامه الاردوبادی، کربلا: مکتبه العباسیه، ١٤٣٦ق) تا کنون سه مقاله مستقل نوشته شده است. طالعی (۱۳۹۰ش.) در مقالهٔ «گفتاری کوتاه در باب عالم ذرّ و رجعت در قرآن» (سفینه، شماره ۳۱) بخشی از کتاب خطی الشهاب المبین را همراه با مقدمه‌ای در معرفی اردوبادی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

منتشر کرده است. طالعی (۱۳۹۲ش.) در مقالهٔ «مروری بر کتاب شهاب مبین» (در: ارج نامهٔ محقق طباطبایی، قم: مؤسسه محقق طباطبایی) به معرفی این کتاب چاپ نشده و درونمایهٔ آن پرداخته است. طالعی، عباسی، ایازی. (۱۳۹۸ش.) در مقالهٔ «واکاوی آثار مکتوب میرزا ابوالقاسم اردوبادی(۱۲۷٤-۱۳۳۳ق) فقیه و قرآن‌پژوه: پیشنهادهای پژوهش محور» (سفینه، شماره ٦٥) به معرفی تفصیلی اردوبادی و کتابشناسی و نسخه‌شناسی آثار مکتوب او که حدود پنجاه عنوان کتاب و رساله عربی و فارسی در موضوع‌های متنوع است، می‌پردازد.

۲-۲. در مورد بلاغی

در بارهٔ بلاغی علاوه بر تدوین و نشر مجموعه آثار ایشان در۹ مجلد، پژوهش-های ارزشمندی سامان گرفته است، که مقالات مربوطه جداگانه در سال ۱۳۸٦ منتشر شده است. (مجموعه مقالات المؤتمر العالمی لتکریم العلامة البلاغی)

۲-۳. در مورد خویی

بجز مقالات پراکنده در نشریات ایرانی و عراقی، انصاریان (۱۳۹٦ ش.) کتاب شمع همیشه فروزان، دفتر مجله الموسم به مدیریت محمد سعید الطریحی در هلند، ویژه نامهٔ «الإمام الخوئی، المرجع الشیعی الأکبر» و مجلهٔ آفاق نجفیه در عراق (شماره ٦، ۱٤۲۸ق/۲۰۰۷م) نیز ویژه نامه‌ای را به شرح حال و بررسی آثار ایشان از جوانب مختلف اختصاص داده‌اند.

باید دانست که در هیچ یک از منابع یادشده در سه بخش فوق، مقاله‌ای که به طور مستقل به بررسی دیدگاه این عالمان در مورد حدیث ثقلین و کاربرد آن در فهم قرآن پرداخته باشد، نیامده است.

٤-۲. در مورد معرفت

در مورد معرفت، مقالاتی در مورد ویژه نامه‌های مجلات رایحه (رایحه شماره ۷۹

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

اردیبهشت ۱۳۸۹ ش.) و بینات (شماره ٤٤، زمستان ۱۳۸۳ ش.) و نیز در دورهٔ پنج جلدی معرفت قرآنی (به کوشش علی نصیری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.) درج شده است؛ که برخی از آن مقالات دیدگاه معرفت را در مورد حدیث ثقلین و نقش آن در فهم قرآن کاویده‌اند، اما هیچ‌یک از آن مقالات، دیدگاه معرفت در این زمینه را در مقایسه با دیدگاه‌های سه شخصیت نجفی دیگر بررسی نکرده است. این کاری است که در این مقاله انجام می‌شود. همچنین در این مقاله، تداوم پژوهش‌های قرآنی در چهار نسل متوالی حوزه علمیه نجف نماینده شده و این کار در قالب بررسی تطبیقی یک مسئلهٔ مهم صورت می‌گیرد. بدین روی این مقاله را باید نخستین مقاله دانست که این مسئله را به گونهٔ تطبیقی بین چهار شخصیت یادشده بررسی می‌کند.

۳. تحلیل دیدگاه‌های چهار شخصیت در مورد حدیث ثقلین و کاربرد آن در فهم قرآن

۳-۱. دیدگاه اردوبادی

مروری بر کتاب "شهاب مبین" نشان می‌دهد که در نظر اردوبادی برای بهره‌گیری از قرآن بنا به فرمایش رسول خدا٦ در حدیث ثقلین، می‌بایست به عترت نبی رجوع شود. ایشان این مطلب را در مواضع متعدّدی از کتاب خویش مطرح می‌کند.

۱- در ذیل شرح سورهٔ قدر می‌نویسد:

«...و نزول قرآن در لیلة القدر معنی دیگر دارد که قرآن مُنزَل، امیرالمؤمنین و لیلة القدر، فاطمه بنت محمد٦ [است]. و ظاهر می‌شود از آن لیله، عصمت امام حکیم، چنان که در سورهٔ دخان، مبیّن است. یعنی اجتماع آن معدن علم با آن معدن عصمت، با اینکه هر دو معدن هر دواند، لکن این صفت از او زیاد به ظهور آمد و این دیگری از این.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

«فیها یفرق کل امر حکیم». (دخان: ٤)؛ یعنی: در آن لیلة مبارکه ظاهر می‌شود هر امر حکیم، یعنی ائمه یازده [گانه] «مِن وُلد علی و فاطمة» (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ج ۲، ص ۲۹۰) و اطلاق قرآن به امام وجهش ظاهر است، زیرا که قرآن و امام، هر دو فارق‌اند بین حقّ و باطل. و کاغذ که دارای خطوط قرآن باشد، او را قرآن بگویند؛ قلب امام که دارای خطوط و الفاظ و معانی قرآن است، به طریق اولی قرآن می‌توان گفت. او قرآن ناطق و ثقل اکبر است. و این قرآن هم قرآن است، لکن صورت و شکل قرآن است. پس امام به اعتبار قلب و روح القدس قرآن است و به اعتبار وجود ظاهری اهل بیت و ثقل اصغر است.

و امر می‌فرمود روز صفین به زدن نیزه‌ها که مستلزم بود افتادن قرآنی که بلند کرده بودند به روی خاک، عیب ندارد، با این وجه که گفته شد؛ به جهت اینکه قرآن ناطق صورت قرآن را از باب ضرورت امر می‌فرمود که بزنند به جهت اظهار حق، با اینکه قرآن بدون امام تمام نیست و فائدهٔ قرآن موقوف به وجود مبارک امام است. و اگر امام نباشد قرآن ممیّز نمی‌شود، به جهت اینکه هر کس می‌تواند به مدّعای خود از قرآن احتجاج کند. پس قرآن فارق است ما بین حق و باطل، لکن به واسطهٔ امام. و این قرآن هم کتاب خدا و حاکی از علوم قلب و روح امام است. و این کلمات، دریای علم و از جواهر نفایس معدن وحی و تنزیل است، قدرش را بدان...». (اردوبادی، ابوالقاسم، شهاب مبین، نسخه خطی، ب۲۰)

۲- در ادامه می‌نویسد:

«...و ایضاً قرآن «تبیان کل شیء» (نحل: ۸۹) است و «تفصیل کل شیء» (انعام:١٥٤) است، چنانکه در چند جا منصوص قرآن است. و معلوم است که این قرآن بی‌امام به این صفت نیست، مگر امیرالمؤمنین۷...». (همو، ب۲۱)

۳- در نظر اردوبادی مراد از کتاب مبین که در قرآن یاد شده، همان امام معصوم

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

است. ایشان این مطلب را با استدلالی عقلی آغاز کرده و با استشهاد به حدیثی ادامه داده است:

«و مثل: «حمٓ و الکتاب المبین انا جعلناه قرآناً عربیاً لعلّکم تعقلون و انّه فی امّ الکتاب لدینا لعلیّ حکیم» (زخرف:٤).

«حمٓ» اسمی است از اسماء عظام. «و الکتاب المبین» یعنی: قسم بر کتابی که ممیّز است ما بین حق و باطل با تمام تمییز. و گذشت [که] این کتاب، نبیّ است و وصیّ، زیرا که آنها ممیّزند نه ظاهر قرآن. از قرآن هر طایفه به مذهب خود احتجاج می‌کند. پس کتابِ ممیّز، امام است و پیغمبر. «انا جعلناه قرآناً عربیاً» یعنی ما آن کتاب مبین و ممیّز را عربی به ظهور آوردیم که شاید بفهمید. و «شاید» به سبب بُعد مخاطبین است از فهم، نه شکّ است از خدا. و این دلیل است که کتاب مبین غیر از قرآن عربی است، و مؤیّد آن است که گفتیم. و ارائه بدو خلق از جعل، خلاف ظاهر است. پس مراد آن است که علم و حکم که آیات بیّنات ثابته بود در سینه‌های اهل علم الهی، به نصّ کتاب، آن اهل علم هر یکی کتاب مبین است، آن علم و حکم را به صورت قرآن عربی بروز دادیم.

این است مراد از «جعلنا»، و آن «کتاب مبین» که امام است، البته «علیّ حکیم» است نزد ما، به غیر او که مخالف اوست امامت نداده ایم. و در امّ کتاب - که سوره حمد است - مذکور است به لفظ «اهدنا الصراط المستقیم». و لفظ «لعلیّ» خبر «انّ» است در «انّه»، یعنی: آن کتاب مبین البته علیّ حکیم است که علیّ بن ابی‌طالب است.

زید بن صوحان، وقتی که در جنگ جمل افتاده بود، امیرالمؤمنین۷ بالای سرش تشریف آورده فرمود: «خدا رحمت کند تو را یا زید! مخارج و انفاق تو بر نفس خود کم بود، و نصرت تو بردین بزرگ». سر برداشت به طرف آن حضرت و گفت: خدا تو را جزای خیر دهد یا امیرالمؤمنین! نشناختم تو را مگر عالِم به خدا، و در

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

امّ الکتاب، علیّ حکیم یافتم تو را، و خدا در سینهٔ تو بزرگ و عظیم است. (کشی، محمّد بن عمر، رجال الکشی، مشهد: دانشگاه مشهد، ص ٦٧)

و یازده حدیث در این مضمون وارد است. پس شک و ریب نیست در این معنی. پس «لعلیّ» خبر «انّ» است و «فی ام الکتاب» حال است از اسم «انّ» که در معنی فاعل است، یا از ضمیر فاعل «حکیم»، یا خبر بعد از خبر است، مقدم است به «علیّ» به جهت اهتمام به بودن او در «امّ الکتاب». و «لدینا» متعلّق است به «حکیم» یا ظرف است متعلق به نسبتِ بودن «کتاب مبین» در «امّ الکتاب»، و تعلق ظرف به نسبت، کثیر است». (اردوبادی، ابوالقاسم، شهاب مبین، نسخه خطی ، ب٢٣)

٢-٣. دیدگاه بلاغی

بلاغی قرآن را به صورت مستقل و منفصل بررسی نمی‌کند و بدین ترتیب قرآن بسندگی در اندیشهٔ وی جایگاهی ندارد. بلکه قرآن را در کنار حدیث می‌بیند و نگاهی ثقلینی به این دو شاخهٔ هدایت دارد. وی روش تفسیر قرآن به قرآن را نیز در پرتو روایات می‌پذیرد. از طرفی هرگاه حدیثی ذیل آیهٔ شریفه نیافته است، سکوت اختیار کرده و از شرح دادنِ آیه اجتناب می‌کند.

نمونه‌های زیر، بخشی از تلاش وی در تفسیر آلاء الرحمن را در این مسیر به نمایش می‌گذارد:

١- ذیل آیه «فقد آتینا آل ابراهیم الکتاب» (نساء: ٥٥)

بلاغی ذیل این آیه برای توضیح معنای کتاب، به این نکته اشاره می‌کند که کتاب، عِدل عترت است که در حدیث ثقلین به تمسّک به این دو یادگار پیامبر توصیه شده است.

«الکتاب أی القرآن باعتبار إنزاله علی رسول الله سید ولد إبراهیم و باعتبار استیداعه أمناء الوحی و کونهم عدل الکتاب فی هدی الأمّة و أحد الثقلین الذین لا یضلّ من تمسّک بهما و هما

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

كتاب الله و عترة الرسول أهل بيته اللذين لن يفترقا حتى يردا على رسول الله الحوض كما تقدّم ذكر الحديث فی ذلک و تواتره فی الجزء الأوّل ص ٤٣». (بلاغی، محمّد جواد، آلاء الرحمن، نجف: بی‌نا، ج ٢، ص ١٤٢)

٢- ذیل آیه «واعتصموا بحبل الله» (آل عمران: ١٠٠)

بلاغی ذیل این آیه بار دیگر به حدیث ثقلین اشاره می‌کند و قرآن و عترت را مصداق «حبل الله» می‌داند.

«و قد دلّنا رسول الله٦ علی ما هو من مصادیق هذا السبب و الحبل الذی لا یضلّ من تمسّک به بقوله٦ فی حدیث الثقلین: ما إن تمسّکتم بهما لن تضلّوا کتاب الله و عترتی أهل بیتی. و استعیر لفظ الحبل فی الآیة للإشارة إلی أنّ عدم الإعتصام به یوجب السقوط فی مهواة الضلال و الهلکة». (همو، ج ١، ص ٣٢٢)

٣- ذیل «فإن خفتم ألّا تعدلوا فواحدة». (نساء: ٤)

بلاغی ذیل این آیه به حدیث کافی اشاره می‌کند که ابن ابی العوجاء در مورد تناقض دو بخش آیه از هشام بن الحکم پرسید و هشام از امام صادق٧ پرسید (کلینی، محمّد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، ج ٥، ص ٣٦٢ -٣٦٣) آنگاه تذکّر می‌دهد که سؤال هشام از امام صادق٧ برای عمل به توصیهٔ پیامبر در حدیث ثقلین بوده است، گرچه خود مطلب را می‌دانسته است. می‌نویسد:

«و أظنّ أنّ هشاماً لا یخفی علیه الجواب، و لکنّه سأل الإمام لیأخذ الحقیقة من معدنها أمناء الوحي أحد الثّقلین اللذین لن یتفرّقا» (بلاغی، محمّد جواد، آلاء الرحمن، نجف: بی‌نا، ج ٢، ص ٩)

٤- بلاغی تفسیر قرآن به قرآن را نیز می‌پذیرد، که به قرینهٔ مطالب دیگر تفسیرش، در راستای حدیث ثقلین است؛ یعنی بر اساس رهنمودهای احادیث، از برخی از آیات برای فهم معنای آیات دیگر کمک می‌گیرد. برای نمونه، ذیل بحث میراث کلالهٔ (نساء: ١٢) می‌نویسد:

«لا یقال: انّ الإجماعات المتقدم ذکرها کافیة فی بیان الآیة، فیؤخذ بمطلقاتها فی غیر موارد

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

الإجماع؛ لأنّا نقول: لا مناص فی تدبّر القرآن من استیضاح دلالة بعضه ببعض و النظر فی وجوه الدّلالة؛ مضافاً إلی أنّ قوله تعالی فی نفس الآیة «یبیّن الله لکم أن تضلّوا» یدلّ علی أنّ الآیة حین وحیها کانت محفوفة ببیان الله فی کتابه الکریم بالدّلالة علی تقیّد موضوعاتها». (همو، ج ۲، ص ۳۱)

البته روشن است که این شیوه را ضمن حدیث ثقلین می‌پذیرد، مانند علامه طباطبایی که در زمینهٔ این روش و پیشینهٔ تفسیری خود در مقدمه المیزان (ج ۱ ص۱۱-۱۲) سخن گفته است.

۵- سکوت بلاغی در برخی از مواردی که حدیثی ندیده است، در راستای عمل به حدیث ثقلین قابل توجه است. مثلاً ذیل آیه «و لکل وجهة هو مولیها» (بقرة: ۱٤۷) که حدیثی نیافته است، اجتهادی نکرده و می‌نویسد:

«لم أجد عن النبی و أهل البیت شیئا فی ذلک». (همو، ج ۱، ص ۱۳۷)

مشابه آن را نیز ذیل «قد جائکم رسل من قبلی» (آل عمران: ۱۸۲) می‌بینیم که می‌نویسد:

«هذا و لم أعرف من الحدیث مَن هم الرّسل الذین جاؤوا بقربان تأکله النّار و قتلهم بنو اسرائیل».(همو، ج ۱، ص ۳۷۸)

٦- بیان مفصّل ذیل آیه ۷ سورهٔ آل عمران

بلاغی ذیل آیه «منه آیات محکمات هنّ امّ الکتاب ...» (آل عمران: ۷)، بیانی مفصّل در ضرورت رجوع به ثقلین در جهت حلّ معضل آیات متشابه مطالبی بیان می‌کند. (بلاغی، محمّد جواد، آلاء الرحمن، نجف: بی‌نا، ج ۱، ص ۲٥٦ - ۲٥۸)

۷- رد مفصل عقیدهٔ قرآن بسندگی

بلاغی ذیل آیه «قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله» (آل عمران: ۳۰) به تفصیل عقیدهٔ قرآن بسندگی را ردّ می‌کند. از زبان رسول خدا می‌نویسد:

«فاتبعونی فی إرشادی لکم، و وجوده تقریبکم من الله، و نیل السّعادة الأبدیّة. فإنّی کتاب الله الناطق. "و ما ینطق عن الهوی إن هو إلّا وحی یوحی".» آنگاه روایاتی از صحاح نقل می‌کند

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

به این مضمون که پیامبر٦، مردم را از بی‌توجهی به سنت خود بر حذر می‌دارد. پس از آن می‌نویسد:

«و هذه الأحادیث الموصوفة بالصّحّة و المستفیضة عن أربعة من الصحابة متّفقة المضمون فی اتّباع رسول الله٦ فی أمره و نهیه، و أنّه لیس لأحد أن یرد ذلک و یقول فی ذلک حسبنا کتاب الله». (بلاغی، محمّد جواد، آلاء الرحمن، نجف: بی‌نا، ج ١، ص ٢٥٦-٢٥٨)

٣-٣. دیدگاه آیت الله خویی

دیدگاه‌های آیت‌الله خویی در این زمینه عمدتاً در تفسیرالبیان آمده است؛ از جمله:

١- همراهیِ همارهٔ قرآن و عترت

سیّد خویی در خلال مباحث خود در البیان، بر همراهیِ همارهٔ قرآن با عترت تأکید کرده است. برای نمونه، می‌نویسد: «...فالعترة هم الادلاء علی القرآن، والعالمون بفضله. فمن الواجب أن نقتصر علی أقوالهم، ونستضئ بإرشاداتهم»؛ (خویی، سیّد ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ج١، ص ١٨) یعنی: «...عترت راهنما به قرآنند و برفضیلت آن آگاهند. پس باید به کلام آن‌ها اکتفا کنیم و از ارشادات آنان کسب نور کنیم.»

٢- تذکر به ناسپاسیِ امّت

هم‌چنین در جایی دیگر به ناسپاسی امت نسبت به دو ثقل پیامبر اشاره می‌کند. به نظر ایشان، پیامد این عدم تبعیت، دست نیافتن به حقیقت و محروم ماندن از حقایق قرآن و گرفتار شدن به بلاهایی همچون تفرقه، تکفیر و تشتّت است. می‌نویسد: «...نعم، لو أقامت الأمة حدود القرآن، واتبعت مواقع إشاراته وإرشاداته، لعرفت لحق وأهله، وعرفت حق العترة الطاهرة الذین جعلهم النبی٦ قرناء الکتاب، وأنهم الخلیفة الثانیة علی الأمة من بعده ولو استضاءت الأمة بأنوار معارف القرآن، لأمنت العذاب الواصب، ولما تردت فی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

العمی، ولا غشیتهم حنادس الضلال، ... ولکنها أبت إلا الانقلاب علی الأعقاب، واتباع الأهواء، والانضواء إلی رایة الباطل حتی آل الامر إلی أن یکفّر بعض المسلمین بعضاً، ویتقرّب إلی الله بقتله، وهتك حرمته، وإباحة ماله، وأي دلیل علی إهمال الأمة للقرآن أکبر من هذا التشتت العظیم؟!!» (همان، ص۲۰-۲۱) یعنی: «آری! اگر امّت حدود قرآن را برپا می‌کرد و جایگاه‌های اشارات و ارشادات آن را پیروی می‌کرد، حق و اهل حق را می‌شناخت و حقّ عترت پاک را که رسول خدا آنان را همراهان کتاب شناسانده بود، می‌شناخت و می‌دانست که آنان جانشینان پیامبر بر امّت پس از رحلت ایشانند. و اگر امّت از انوار معارف قرآن بهره می‌گرفت، از بارش باران عذاب در امان می‌بود. در تاریکی‌ها باقی نمی‌ماند، فتنه‌های گمراهی آن‌ها را در بر نمی‌گرفت...امّا امّت بازگشت به گذشتهٔ خود را برگزید و از هواهای نفسانی پیروی کرد و زیر بیرق باطل رفت. کار به آنجا کشید که مسلمانان یکدیگر را تکفیر کردند و با کشتن یکدیگر، هتک حرمت و حلال دانستن اموال به درگاه خداوند تقرّب جستند. برای این‌که بپذیریم که امّت قرآن را رها کرده، چه دلیلی بزرگتر از این تشتّت وحشتناک می‌توان شمرد؟!».

۳- اسانید و مصادر حدیث ثقلین

آیت الله خویی نخستین تعلیقهٔ کتاب را به مصادر حدیث ثقلین از کتب اهل تسنّن اختصاص داده است. (البیان، ج ۱ ص ٤٩٩)

۴- مبنای نگارش تفسیر البیان

آیت الله خویی در نامه‌ای به تاریخ ١٦ جمادی الثانیه ١٣٦٩ق خطاب به آیت الله مرعشی می‌نویسد: «دو روز است به مباحثهٔ تفسیری شروع کرده‌ام که فقط در ایّام تعطیل بالمعنی الأعمّ مباحثه شود و مشغول نوشتن هم هستم. مخصوصاً از جنابعالی التماس می‌نمایم که جداً دعا بفرمایید به اتمام این عمل موفق شده و از علوم اهل

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

بیت: بتوانم ترویج و منتشر نمایم، زیرا که البته ملاحظه فرموده‌اید که غالباً تفاسیر مبتنی بر علوم مأخوذه از قتاده و مجاهد و و [غیره] می‌باشد که اطلاق لفظ علم بر آن‌ها مبتنی بر مشاکله و تسامح است...». (مرعشی نجفی، سیّد محمود، نامه‌های ناموران، قم: کتابخانهٔ آیت الله مرعشی، ص ۱۵۲)

۳-۴. دیدگاه آیت الله معرفت

آیت الله معرفت نقش عترت پیامبر در تبیین قرآن را تفصیل مبهماتی می‌داند که در قرآن به طور مجمل و به شکل عام یا مطلق آمده است. از این رو روایاتی که از معصومین: صادر شده و نیز فعل و تقریر آنان که به منظور بیان ابعاد مختلف شریعت به ما رسیده، همه و همه، توضیح و تفسیر کلیاتی است که در قرآن کریم درباره احکام و اخلاق و آداب ذکر شده است. خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْکَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ٤٤) بنابراین وظیفه اساسی پیامبر٦ تبیین مبهماتی است که در قرآن آمده است و از این رو، همه بیانات پیامبر٦ در زمینه ابعاد شریعت، تفسیر قرآن به حساب می‌آید.

۱- نقش روایت در تبیین قرآن

آیت الله معرفت یکی از نقش‌های روایت را نزدیک کردن ذهن ما به فضای زمان نزول می‌داند که برای فهم معنای صحیح کلمات و عبارات قرآن ضرورت دارد. چنین می‌نویسد:

«نقش روایت این است که دست آدمی را می‌گیرد و ١٤٠٠ سال نزد عرب‌های مخاطب آیه بالا می‌برد و ذهنیتی ایجاد می‌کند همانند ذهنیتی که آنان داشتند، فضایی ایجاد می‌کند مانند همان فضایی که آنها داشتند، آدمی را آنجا می‌نشاند و می‌گوید به قرآن گوش بده، قرآن قشنگ حرف می‌زند، هیچ ابهامی ندارد. از نظر او روایت فضایی ایجاد می‌کند تا از نظر قرآن مطلب را دریافت کنیم». (آفتاب معرفت، ویژه نامه

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

چهلمین روز ارتحال فقیه فرزانه، استاد علوم قرآنی، مفسر بزرگ آیت الله علامه حاج شیخ میرزا محمدهادی معرفت، ص۲٦)

۲- نمونه‌هایی از تفسیر قرآن توسط عترت

معرفت معتقد است تمام قرآن توسط پیامبر اکرم٦ و ائمه معصومین: تفسیر شده است. (معرفت، محمّد هادی، التفسیر و المفسرون، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ج۱، ص ۱۷۷) وی تفسیر مأثور از پیامبر اکرم و ائمه معصوم: را حجت می‌داند و البته در مقدمه تفسیر به این نکته تصریح نموده (همو، التفسیر الاثری الجامع، قم، مؤسسه التمهید و المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ج۱، ص۹۸) و در تفسیر نیز از روایاتِ رسیده از این بزرگواران، بهرهٔ فراوان برده است. ذیلاً به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

الف. درباره آیه شریفه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» روایتی آمده که در آن ابوبکر خطیب در «الجامع» از امام باقر۷ نقل نموده که فرمودند: «رسول الله٦ می‌فرماید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغازگر هر کتابی است». همچنین در این زمینه روایاتی از امیرمؤمنان و امام صادق۸ بیان نموده است. (معرفت، محمّد هادی، التفسیر الاثری الجامع، قم، مؤسسه التمهید و المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ج۱، ص ۳۲۵-۳۲٤)

ب. ذیل آیه ٤٥ سوره بقره -«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»- روایتی از امیر مؤمنان۷ آورده که می‌فرمایند: «پیامبر اکرم٦ فرمودند: صبر سه گونه است: صبر بر مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر معصیت». (همان، ج۲، ص ٥٤٦)

ج. گاهی نیز روایات رسیده از ائمه: را به صورت مجزا ذیل آیات بیان می‌کند. مثلاً بیان وجوه کفر را در گفتار ائمه: به طور مجزا آورده است. (همان، ج۲، ۱۲۷-۱۲۹) و یا ذیل آیات ۳۹-۳۰ سوره بقره به ذکر روایاتی از ائمه: مبنی بر اینکه زمین از حجت خالی نمی‌ماند، پرداخته است. (همان، ج۲، ج۵۱۷)[1]

۱. در این بخش از این مقاله استفاده شده است: رجایی، طاهره، روش آیت الله معرفت در «التفسیر

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

۳- دیدگاه معرفت در بارهٔ تأویل قرآن و آیهٔ ۷ سورهٔ آل عمران

بر اساس مبنای معرفت، باید به احادیث اهل بیت رجوع شود، آنگاه ویژگی‌های اختصاصی مصادیق خاصّ را به کناری نهاد و از کلیات تفسیر امامان معصوم به عنوان تفسیر آیه بهره گرفت. در این صورت، بعضی از روایات که مصداق آیه‌ای را بیان می‌کند، جایگاهی شبیه جری و تطبیق پیدا می‌کند.

علی نصیری، از شاگردان خاص آیت الله معرفت، می‌نویسد: «استاد معرفت در بررسی آیهٔ تأویل، پس از آن که در جمله: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلاَّ اللهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» عاطفه بودنِ «واو» را اثبات کرده، به بررسی این مسأله پرداخته است که راسخان در علم چه کسانی هستند؟ آنگاه - به استناد روایاتی از اهل بیت: که از پیامبر٦ به عنوان افضل راسخان در علم و از ائمه: در مرحله یاد شده، و نیز با استشهاد به گفتاری از ابن عباس که خود را جزو راسخان در علم دانسته - این مبنا را مورد تأکید قرار می‌دهد که رسوخ در علم دارای مراتب تشکیکی است و پیامبر و اهل بیت: در رأس آن‌ها قرار داشته و از این رو بیشترین بهره از تفسیر قرآن و تأویل آیات متشابه از آن آنان است (معرفت، محمدهادی، التفسیر الاثری الجامع، قم، مؤسسه التمهید و المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ج۱، صص ٤٦-٤٣؛ همو، التمهید فی علوم القرآن، قم: التمهید، ج۳، صص ٥٣-٤٩) به علاوه در بررسی دلالت‌های حدیث ثقلین، سومین ویژگی مستفاد از این حدیث را آن می‌داند که اهل بیت همان راسخان در علم و مصداق کامل اهل ذکراند که باید از آنان پرسش شود (معرفت، محمدهادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ج۱، صص ٤٦٥-٤٦١)

استاد، از این مبنا در بررسی نزدیک به هزار آیه متشابه بهره جسته است. به این معنا که در بررسی هر یک از آیات متشابه، پس از آنکه دیدگاه‌های سایر فرق کلامی

الأثری الجامع»، پژوهشهای قرآنی، ۱۳۸۸ شماره ۵۹ و ٦۰ ویژه‌نامه قران و فلسفه تربیت.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

همچون اشاعره، معتزله، کرامیه، صفاتیه و مشبهه را متعرض می‌شود، دیدگاه امامیه را - با تأکید بر این نکته که این دیدگاه مبتنی بر نظر اهل بیت: و روایات آنان است - یادآور می‌شود... به عنوان مثال، ایشان از روایت‌هایی که مقصود از «اهل الذکر» را اهل بیت: دانسته‌اند، به رغم آنکه صدر و ذیل آیه خطاب به یهود است، دفاع کرده و در بخشی از گفتار خود چنین آورده است: «هذا هو ظاهر معنی الآیتین: تفسیر «اهل الذکر» بأهل الکتاب، لکن ورد فی تأویلهما ما یقضی بالعموم، بان تشمل الآیة کل ذوی العلم من اهل الثقافة و المعرفة و علی رأسهم ائمة اهل البیت: و ذلک بإلقاء الخصوصیات المکتنفه بالکلام و الأخذ بعموم اللفظ و عموم الملاک (ای عموم مناط الحکم) و هو ما یقتضیه العقل من رجوع الجاهل الی العالم إطلاقاً و فی جمیع مجالات العلم و المعرفة، بما یعمّ جمیع الثقافات» (همو، ج۱، ص ٤٧٠)[1]

نتیجه‌گیری

هر چهار عالم، به پیوستگی قرآن و عترت در اعتقاد و عمل معتقد بوده و برای فهم قرآن توسّط عترت، ضرورت قائلند، هرچند ممکن است تفاوت‌هایی جزئی در حدود و ثغور این موضوع با یکدیگر داشته باشند. هر یک از آنان در بیان خود از کاربرد حدیث ثقلین، جوانبی از این مطلب را توضیح داده‌اند، به گونه‌ای که این بیانها را می‌توان مکمّل یکدیگر دانست.

منابع

***کتابها و مقالات**

قرآن

۱. برای تفصیل بیشتر، ر.ک. نصیری، علی (به کوشش)، معرفت قرآنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

اردوبادی، محمّد علی، موسوعه العلامه الاردوبادی، کربلا: مکتبه العباسیه، ١٤٣٦ق.
اردوبادی، ابوالقاسم، شهاب مبین، نسخه خطی، آستان قدس رضوی، شماره ١٠١٦٣.
انصاریان، محمّد تقی، شمع همیشه فروزان، قم: انصاریان، ١٣٩٦ش.
بلاغی، محمّد جواد، آلاء الرحمن، نجف: بی‌نا، ١٣٥٥ق.
خویی، سیّد ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسة احیاء آثار الامام الخوئي، ١٤٣٠ق.
رجایی، طاهره، روش آیت الله معرفت در «التفسیر الأثری الجامع»، پژوهشهای قرآنی، ١٣٨٨ شماره ٥٩ و ٦٠ ویژه نامه قران و فلسفه تربیت.
سلیم گندمی، حمید. منبع‌شناسی حدیث ثقلین تا سال ١٣٨٥ شمسی. امامت پژوهی، شماره ١٠، بهار و تابستان ١٣٩٢ ش.
طالعی، عبدالحسین، گفتاری کوتاه در باب عالم ذرّ و رجعت در قرآن، سفینه، شماره ٣١، تابستان ١٣٩٠.
طالعی، عبدالحسین، مروری بر کتاب شهاب مبین، مجموعهٔ ارج نامهٔ محقق طباطبایی، قم: مؤسسه محقق طباطبایی، ١٣٩٢ش.
طالعی، عبدالحسین؛ عباسی، مهرداد، ایازی، سید محمدعلی. «واکاوی آثار مکتوب میرزا ابوالقاسم اردوبادی (١٢٧٤–١٣٣٣ق) فقیه و قرآن‌پژوه: پیشنهادهای پژوهش محور» (سفینه، شماره ٦٥، زمستان ١٣٩٨)
طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان، بی‌تا.
قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: جزائری، سیّد طیّب، قم: دارالکتاب،١٤٠٤ق.
کشی، محمّد بن عمر، رجال الکشی، مشهد: دانشگاه مشهد، ١٤٠٩ق.
کلینی، محمّد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، ١٣٨٨ق.
مرعشی نجفی، سیّد محمود، نامه‌های ناموران، قم: کتابخانهٔ آیت الله مرعشی، ١٣٨٩ش.
معرفت، محمدهادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ١٣٨٥ش.
معرفت، محمدهادی، التفسیر الاثری الجامع، قم، مؤسسه التمهید و المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ١٣٨٣ش.
معرفت، محمّد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: التمهید، ١٤٢٨ق.
المؤتمر العالمی لتکریم العلامة البلاغی، مجموعه مقالات المؤتمر العالمی لتکریم العلامة البلاغی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ١٣٨٦ ش.
نصیری، علی (به کوشش)، معرفت قرآنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ١٣٨٧ش.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.68.7.8]

*ویژه نامه‌های مجلات
آفاق نجفیه، ش ٦، ١٤٢٨ق/٢٠٠٧م، ص ٣٩٤. ویژه نامه سید خویی.
آفتاب معرفت (ویژه نامه چهلمین روز ارتحال آیت الله محمدهادی معرفت)، قم: التمهید، ١٣٨٥ش.
بینات، شماره ٤٤، زمستان ١٣٨٣ ش، ویژه نامه معرفت.
رایحه شماره ٧٩ اردیبهشت ١٣٨٩ ش. ویژه نامه معرفت.
الموسم، «الإمام الخوئی، المرجع الشیعی الأکبر»، ویژه نامه آیت الله خویی، چاپ هلند، الأکادیمیة الکوفة، به مدیریت محمد سعید الطریحی، بی‌تاریخ.